

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱

رابطه بین ارقام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرس

دکتر یحیی حساس یگانه / استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

دکتر قاسم بولو / استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

فاطمه فرخی نژاد / دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

چکیده

در تحقیقات متعددی، از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص و معیار مدیریت سود استفاده شده است. با توجه به نقش حسابرسی در اعتباردهی صورت‌های مالی، از حسابرس انتظار می‌رود رویه‌های حسابداری سؤال برانگیز و تحریفات بااهمیت را کشف و گزارش نماید. از این‌رو، این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا با افزایش ارقام تعهدی اختیاری، گزارش‌های حسابرسی صادر شده نیز به سمت مشروط شدن سوق پیدا کرده است؟ همچنین، با در نظر گرفتن سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ در ایران، به بررسی اثر بزرگی موسسه حسابرسی در توانایی کشف و گزارش مدیریت سود پرداخته شده است. بررسی فرضیه‌های تحقیق به کمک تجزیه و تحلیل رگرسیون لاجیت در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۳ نشان داد که بین ارقام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط توسط حسابرس ارتباط معنادار وجود دارد، ولی ارقام تعهدی اختیاری صورت‌های مالی شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله سازمان حسابرسی (به عنوان موسسه بزرگ)، تفاوت معناداری با ارقام تعهدی اختیاری در صورت‌های مالی حسابرسی شده به وسیله موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (به عنوان موسسات غیر بزرگ) نداشت.

واژه‌های کلیدی: ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود، صدور گزارش مشروط حسابرسی، اندازه موسسه

حسابرسی

مقدمه

استفاده کنندگان از صورت‌های مالی - سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان - در سال‌های اخیر، خود را در حصار از خبرها و آگهی‌های مربوط به انجام موارد خلاف قاعده در حسابداری گرفتار می‌بینند. این بی‌نظمی‌ها و موارد خلاف عرف حسابداری، عنوان‌های متعددی به خود گرفته است، مانند حسابداری متهورانه، مدیریت سود، هموارسازی سود و حسابداری متقلبانه یا فریب آمیز. هر چند اندازه و میزان انحراف از اصول و عرف حسابداری در رابطه با هر یک از عنوان‌های بالا متفاوت است، اما همه موارد فوق در ارتباط با صورت‌های مالی که به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری افراد ذی‌نفع مطرح می‌باشد، اثر مشابه دارند و آن چیزی جز ارائه اطلاعات مبهم و گمراه‌کننده نیست. بسیاری از موارد مربوط به انجام امور خلاف قاعده و عرف حسابداری، دیر کشف و آشکار می‌شوند. بعد از وقوع حوادث تلخ مالی و زمانی که ارزش سهام شرکت‌ها به شدت کاهش می‌یابد، تازه افراد ذی‌نفع متوجه می‌شوند که مدت‌هاست مدیران اطلاعات گمراه‌کننده در اختیار آنان قرار می‌داده‌اند [۹].

بر مبنای تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی، تفاوت‌ها و امتیازات کیفی بین نحوه حسابرسی و عملکرد موسسات بزرگ و معتبر حسابرسی و دیگر موسسات حسابرسی مشاهده می‌شود. بر مبنای نتایج این تحقیقات، یکی از موارد بارز این تفاوت‌ها و امتیازات، توانایی موسسات حسابرسی مذکور، در رابطه با قدرت کشف انحراف از استانداردهای حسابداری و در نهایت، کشف مدیریت سود می‌باشد. در این تحقیق، به منظور ارزیابی توانایی حسابرسان در کشف و گزارش مدیریت سود، تاثیر اقلام تعهدی اختیاری (به عنوان معیار مدیریت سود) بر صدور گزارش مشروط توسط حسابرس بررسی شده است. همچنین، تاثیر اندازه موسسات حسابرسی بر قدرت محدودکنندگی اقلام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط توسط آن‌ها، در اثر افزایش این اقلام، در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار گرفته است.

مبانی نظری تحقیق

فرآیند اندازه‌گیری سود و نتیجه آن، نقش مهمی در اداره شرکت دارد و معمولاً کاربران صورت‌های مالی، اهمیت زیادی برای آن قائل‌اند. از آنجا که محاسبه سود بنگاه اقتصادی، متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری است و تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است،

ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت اقدام به مدیریت سود نماید [۲].

در واقع تعریف واحدی از مدیریت سود وجود ندارد و پژوهشگران مختلف با توجه به اهداف خود، تعاریف مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند. اسکات^۱ (۲۰۰۹)، مدیریت سود را این گونه تعریف می‌کند: "انتخاب سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری برای نیل به اهداف ویژه". این سیاست‌ها به دو طبقه تقسیم می‌گردند: یکی انتخاب روش‌های حسابداری، مثل روش خط مستقیم استهلاک یا روش فایفو برای ارزیابی موجودی‌ها و... طبقه دیگر، مربوط به اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد، مثلاً هزینه‌های برآوردی تضمین محصولات، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، ذخیره کاهش ارزش موجودی‌ها و... [۱۱].

حسابرسی از طریق اعتباردهی به صورتهای مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را که بین مدیران و سهامداران شرکت وجود دارد، کاهش می‌دهد. به دو دلیل انتظار می‌رود، بین بزرگی اقلام تعهدی اختیاری و ریسک ذاتی حسابرسی، رابطه مثبت وجود داشته باشد؛ اول، با فرض فرصت طلبی مدیریتی، اقلام تعهدی ابزاری در دست مدیریت برای مدیریت سود گزارش شده هستند و مدیران اقلام تعهدی را به نفع خودشان دستکاری می‌کنند، و دوم اینکه، اقلام تعهدی مشکلی برای حسابرسان محسوب می‌شوند که با حساب‌های پریسک مثل حساب‌های دریافتنی و موجودی‌ها مرتبط است [۶].

از حسابرس انتظار می‌رود، رویه‌های حسابداری سؤال برانگیز و خطاهای بااهمیت و موارد خلاف را گزارش نماید. در واقع این مسئله، شایستگی حرفه‌ای و استقلال حسابرس را خاطرنشان می‌سازد. احتمال کشف موارد نقض قرارداد توسط حسابرس، به شایستگی حسابرس و احتمال گزارش موارد نقض کشف شده، به استقلال وی بستگی دارد. حمایت بازار از حسابرس و در واقع تقاضا برای خدمات حسابرسی، تا زمانی تداوم می‌یابد که وی قادر به کشف و گزارش موارد نقض قرارداد باشد [۱۶].

"احتیاط گزارشگری"، مکانیزمی تعریف می‌شود که از طریق آن حسابرسان می‌توانند به سطح مطلوب ریسک حسابرسی برای صاحبکاران با اقلام تعهدی بالا دست یابند. به عبارت دیگر حسابرسان می‌توانند عدم اطمینان ذاتی را که در شرایط با اقلام تعهدی بالا وجود دارد از طریق پایین آوردن آستانه صدور گزارش‌های تعدیل شده، جبران نمایند [۷].

با این حساب، منطقی است که یک رابطه مثبت بین بزرگی اقلام تعهدی اختیاری (معیار مدیریت سود) و صدور گزارش تعدیل شده توسط حسابرس را پیش بینی نماییم.

از طرفی احتمال کشف رویه‌های حسابداری سؤال برانگیز، توسط حسابرسان با کیفیت بالا در مقایسه با حسابرسان با کیفیت پایین، بیشتر است و پس از کشف نیز، احتمال اعتراض توسط آن‌ها و

مشروط کردن گزارش حسابرسی، بیشتر است. از آنجا که در بسیاری از تحقیقات، از اندازه موسسات حسابرسی به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده شده است، پیش‌بینی می‌شود مدیریت سود در شرکت‌هایی با حسابرسان با کیفیت پایین (موسسات حسابرسی غیربزرگ)، بیشتر از شرکت‌های با حسابرسان با کیفیت بالا (موسسات حسابرسی بزرگ)، رخ دهد. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود موسسات حسابرسی با کیفیت بالا (موسسات حسابرسی بزرگ)، با افزایش قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری، گزارش‌های تعدیل شده بیشتری، نسبت به موسسات حسابرسی با کیفیت پایین (موسسات حسابرسی غیربزرگ)، صادر نمایند.

پیشینه تحقیق

در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار اندازه‌گیری مدیریت سود، بکر^۲ و دیگران (۱۹۹۸) دریافتند کیفیت حسابرسی به گونه‌ای معکوس با استفاده مدیریت از روش‌های حسابداری افزایشده سود (اقلام تعهدی اختیاری) ارتباط دارد و کیفیت بالای حسابرسی، منجر به کاهش توان مدیریت در دستکاری سود و در نتیجه کاهش اطلاعات نامتقارن می‌شود [۴].

فرانسیس و کریشنان^۳ (۱۹۹۹) دریافتند، به دلیل اینکه اقلام تعهدی حسابداری، برآوردهای ذهنی مدیران در مورد نتایج آینده هستند، به طور عینی قبل از وقوع نمی‌توانند تأیید شوند. حسابرسی صاحبکاران با اقلام تعهدی بالا، عدم اطمینان بیشتری را نسبت به صاحبکاران با اقلام تعهدی پایین نشان می‌دهد. طبق یافته‌های تحقیقات آنها، هر چه، قدر مطلق اقلام تعهدی بزرگتر باشد، احتمال دریافت گزارش مشروط نیز بیشتر است [۷].

بارتو^۴ و دیگران (۲۰۰۰)، طی تحقیقی به ارزیابی مدل‌های مختلف برای کشف مدیریت سود از طریق بررسی ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرس پرداختند که نتیجه تحقیق آنها، رابطه مثبت بین اقلام تعهدی اختیاری و دریافت گزارش مشروط بود [۳].

ولوری^۵ (۲۰۰۳) به بررسی رابطه بین استفاده از حسابرس متخصص صنعت و مدیریت سود بر روی شرکت‌های آمریکایی پرداخت. وی از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود استفاده کرد و دریافت که برای صاحبکارانی که فعالیت تخصصی دارند، وقتی از حسابرس متخصص آن صنعت استفاده شد، مدیریت سود کمتری وجود داشت [۱۵].

جنونگ و رو^۶ (۲۰۰۴) به بررسی رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری

بر روی شرکت‌های کره‌ای پرداختند و نتیجه را این‌گونه بیان کردند که بین اقلام تعهدی اختیاری گزارش شده توسط شرکت‌هایی که به وسیله موسسات بزرگ رسیدگی شده‌اند و شرکت‌هایی که به وسیله موسسات غیربزرگ رسیدگی شده‌اند، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین، آن‌ها به تفاوت معناداری بین اقلام تعهدی اختیاری گزارش شده پس از تغییر موسسه حسابرسی از بزرگ به غیر بزرگ یا بالعکس دست نیافتند [۱۲].

چن^۷ و دیگران (۲۰۰۵) طی تحقیقی، رابطه بین اندازه حسابرس و تخصص صنعت او و سطح مدیریت سود را برای شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول در تایوان عرضه می‌شد، بررسی نمودند. نتیجه آن تحقیق به این صورت بود که کیفیت حسابرسی، مدیریت سود را محدود می‌کند و شرکت‌های عرضه اولیه در تایوان، که به وسیله پنج موسسه بزرگ، حسابرسی شده بودند، مدیریت سود کمتری داشتند [۸].

شرینجیت جال^۸ و دیگران (۲۰۰۷) طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که در مالزی موسسات حسابرسی بزرگ، در صورت وجود سطح بالای اقلام تعهدی غیر عادی، بیشتر از بقیه مؤسسات، گزارش مشروط صادر نمودند، ولی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و اقلام تعهدی غیر عادی در پیش‌بینی و صدور گزارش مشروط معنادار نبود [۱۳].

کارامانیس و لنوکس^۹ (۲۰۰۸) به بررسی اثر تلاش حسابرسی بر مدیریت سود در یونان پرداختند. آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که وقتی زمان صرف شده برای حسابرسی کمتر بود: (۱) اقلام تعهدی غیرعادی اغلب به صورت مثبت بودند تا منفی، (۲) اقلام تعهدی غیرعادی مثبت، بزرگ‌تر بودند و (۳) وقتی حسابرس ساعات کمتری را صرف حسابرسی می‌کند، شرکت‌ها به بیش‌نمایی سود برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تمایل نشان می‌دهند [۵].

سانتانو میترا^{۱۰} و دیگران (۲۰۱۰) پژوهشی را با هدف بررسی اثر تخصص صنعت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های آمریکایی که ضعف بااهمیت در کنترل‌های داخلی داشته‌اند، انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی اثربخش نداشتند، اقلام تعهدی اختیاری را در سطح بالاتری نسبت به شرکت‌های با کنترل‌های داخلی اثربخش، مدیریت می‌کنند، اما حسابرسان متخصص صنعت، باعث کاهش تفاوت مدیریت اقلام تعهدی اختیاری، بین شرکت‌های با کنترل داخلی اثربخش و شرکت‌های با کنترل داخلی غیراثربخش می‌شوند [۱۰].

در حوزه تحقیقات ایرانی، بهارمقدم (۱۳۸۵) به بررسی محرک‌های موثر بر مدیریت سود پرداخته

است. وی در تحقیق خود کیفیت حسابرسی را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، معرفی می‌کند [۱].

فرضیه‌های پژوهش

در این تحقیق دو فرضیه زیر مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است:

فرضیه اول: بین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در صورت‌های مالی واحد مورد رسیدگی و احتمال صدور گزارش مشروط توسط حسابرِس، همبستگی مثبت وجود دارد.

فرضیه دوم: با افزایش قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در صورت‌های مالی واحد مورد رسیدگی، احتمال صدور گزارش مشروط توسط موسسات حسابرِس بزرگ نسبت به سایر موسسات، بیشتر است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر در مورد فرضیه اول از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و در مورد فرضیه دوم از نوع توصیفی-علی مقایسه‌ای می‌باشد. داده‌ها بعد از جمع‌آوری، طبق بخش‌های معرفی شده در زیر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

بخش اول، مدل‌های آماری جهت شناسایی شرکت‌های با سود مدیریت شده، که با استفاده از مدل جونز تعدیل شده، اقلام تعهدی اختیاری ($\varepsilon_{i,t}$) به این صورت محاسبه می‌شوند:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

$A_{i,t-1}$: کل دارایی‌ها در پایان سال $t-1$

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمدهای عملیاتی بین سال t و $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در خالص حسابهای دریافتی بین سال t و $t-1$

$PPE_{i,t}$: ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود در پایان سال t

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی در سال t

$\varepsilon_{i,t}$: باقی‌مانده، که نشان‌دهنده بخش اختیاری کل اقلام تعهدی شرکت است.

α و β پارامترهای خاص صنعت هستند که از طریق رگرسیون OLS در دوره مشاهده تخمین

زده می‌شوند.

کل اقلام تعهدی ($TA_{i,t}$)، را می‌توان از رابطه زیر به دست آورد :

$$TA_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta Cash_{i,t} - \Delta CL_{i,t} + \Delta DCL_{i,t} - DEP_{i,t}$$

که در آن :

ΔCA_t : تغییر در دارایی‌های جاری در سال t

$\Delta Cash_t$: تغییر در وجه نقد و معادل وجه نقد در سال t

ΔCL_t : تغییر در بدهی‌های جاری در سال t

ΔDCL_t : تغییر در بدهی‌های جاری غیر عملیاتی در سال t

DEP_t : هزینه استهلاک در سال t

بخش دوم، شامل مدل‌های آماری جهت آزمون فرضیه‌هاست که برای آزمون فرضیه‌ها از دو روش استفاده شده است:

۱) مدل رگرسیون لاجیت

با توجه به دو حالتی بودن متغیر وابسته، برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر روی آن، معمول ترین و مناسب ترین آزمون، استفاده از روش رگرسیون لجستیک است. پس از مشخص نمودن نوع گزارش حسابرس بر حسب صفر (غیر مشروط) و یک (مشروط)، طبق مدل لاجیت طراحی شده در زیر، ارتباط بین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری (ϵ)، که از رابطه قبلی به دست آمد و طبق مدل آن را ($ABDA$)، معرفی کردیم با متغیر وابسته (صفر و یک) دریافت گزارش مشروط و ($QUAL$)، مورد بررسی قرار گرفته است (فرضیه اول).

$$\begin{aligned} QUAL = & \alpha + \beta_1 AQ_i + \beta_2 MKTCAP_i + \beta_3 BKMKT_i + \beta_4 LOSS_i + \beta_5 DE_i \\ & + \beta_6 QUALAG_i + \beta_7 LASSET_i + \beta_8 TIME_i + \beta_9 INVTA_i + \beta_{10} RECTA_i \\ & + \beta_{11} ABDA_i + \beta_{12} ABDA_i * AQ_i + \epsilon_i \end{aligned}$$

با توجه به این که در ایران مؤسسات حسابرسی بزرگ که معیارهای کیفیت حسابرسی را دارا باشند، تعریف شده نمی‌باشند، از این رو برای آزمون فرضیه دوم و اندازه‌گیری تأثیر بزرگی موسسه حسابرسی بر احتمال مشروط شدن با افزایش قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری، در این تحقیق، سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ ($BIG=1$) و بقیه مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران

رسمی ایران به عنوان مؤسسات غیر بزرگ ($BIG=0$) در نظر گرفته شده است و رابطه بین متغیری که اثر اقلام تعهدی اختیاری و اندازه حسابر را به طور همزمان منعکس می کند ($ABDA*AQ$)، و دریافت گزارش مشروط ($QUAL$)، مورد آزمون واقع شده است. متغیرهای به کار رفته در مدل به این صورت تعریف می شوند:

$QUAL$: متغیر مصنوعی اگر اظهار نظر حسابر مشروط است، عدد ۱، در غیر این صورت عدد ۰

$$AQ=ABDA*BIG$$

$ABDA$: قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری که از مدل جونز تعدیل شده به دست می آید، یا $|E|$.

BIG : متغیر مصنوعی اندازه حسابر: اگر سازمان حسابر، حسابر شرکت باشد، عدد ۱،

در غیر این صورت عدد ۰

برای خنثی کردن اثر متغیرهای کنترل روی نتیجه تحقیق، این متغیرها را به دودسته کلی تقسیم نمودیم: (۱) ویژگی های مالی شرکت و (۲) پیچیدگی حسابر واحد تجاری.

متغیرهای کنترل در مدل به تفکیک دو دسته کلی عبارتند از:

ویژگی های مالی شرکت

$MKTCAP$: لگاریتم ارزش بازار در پایان سال

$BKMKT$: نسبت ارزش دفتری به بازار در پایان سال

$LOSS$: اگر در سال جاری شرکت زیان گزارش کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰

DE : بدهی بلندمدت به کل دارایی ها

$QUALAG$: اگر اظهار نظر سال پیش مشروط بوده، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰

$LASSET$: لگاریتم کل دارایی ها

$TIME$: تعداد سالهای پذیرفته شدن شرکت در بورس اوراق بهادار تهران

پیچیدگی حسابر واحد تجاری

$INVASST$: موجودی کالا به دارایی ها

$RECAST$: دریافتنی ها به کل دارایی ها

۲) روش آزمون t برای دو نمونه مستقل

گرچه روش رگرسیون لجستیک به عنوان روش اصلی برای بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق و نوع گزارش به کار رفته است، اما از آزمون t نیز به عنوان روش مکمل برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل استفاده شده است. در این روش شرکت‌ها به دو گروه مستقل دریافت‌کنندگان گزارش مشروط ($QUAL=1$) و دریافت‌کنندگان گزارش مقبول ($QUAL=0$) تقسیم شده و میانگین دو متغیر (۱) قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری (ABDA) و (۲) قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری با توجه به اندازه موسسه حسابرسی ($ABDA*AQ$)، بین دو گروه مستقل مورد مقایسه قرار گرفته است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق حاضر، کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۸۳ الی ۸۷ می‌باشند. برای مشخص کردن جامعه در دسترس برای مطالعه، کل شرکت‌هایی که قبل از سال ۸۲ در بورس پذیرفته شده‌اند و تا سال ۸۷ از فهرست بورس حذف نشده‌اند یا به عبارت دیگر کل جامعه آماری را در نظر گرفتیم که از این بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی و همچنین صنایع خاص مثل برق، گاز و تلفن به دلیل ساختار متفاوت مالی حذف شدند. به علاوه، با حذف شرکت‌هایی که اطلاعات مالی یا حسابرسی آن‌ها ناقص بود، شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه شده بود و نیز شرکت‌هایی که تغییر در سال مالی خود را تجربه کرده بودند، جامعه در دسترس حاصل شد که تماماً مورد مطالعه قرار گرفت.

با توجه به اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌های باقی‌مانده به ۱۷۳ شرکت یا به عبارتی ۸۶۵ شرکت - سال رسید. از این‌رو جهت آزمون فرضیه‌ها، تمام شرکت‌های باقی‌مانده به عنوان جامعه مورد مطالعه (جامعه در دسترس) انتخاب گردید.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

اطلاعات مربوط به متغیرهای ذکر شده از صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران، از طریق مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار و نرم افزارهای موجود استخراج شد.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های روش رگرسیون لاجستیک

در این بخش و با استفاده از روش گام به گام پیشرو به انتخاب مدل مناسب، تنها با متغیرهای معنی‌دار پرداخته شده است. در روش پیشرو متغیرها به ترتیب معناداری وارد مدل می‌گردند تا وقتی که تمام متغیرهای مدل معنادار باشند. این گام‌ها ادامه می‌یابد. در ابتدا جهت آزمون معناداری مدل، فرض صفر و فرض مقابل را به شرح زیر صورت‌بندی نمودیم:

$$\left. \begin{array}{l} H_0: \text{مدل معناداری وجود ندارد} \\ H_1: \text{مدل معناداری وجود دارد} \end{array} \right\}$$

جدول ۱: تاثیر ورود گام به گام متغیرها در مدل روی آماره کای دو

گام	متغیر ورودی	بهبود			مدل		
		کای - دو	درجه آزادی	سطح معناداری	کای - دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	نوع گزارش سال پیش	۱۰۴/۱۴۸	۱	۰/۰۰۰	۱۰۴/۱۴۸	۱	۰/۰۰۰
۲	نسبت ارزش دفتری به بازار	۲۹/۹۰۲	۱	۰/۰۰۰	۱۳۴/۰۵۰	۲	۰/۰۰۰
۳	زیانده بودن شرکت	۱۹/۴۰۷	۱	۰/۰۰۰	۱۵۳/۴۵۷	۳	۰/۰۰۰
۴	قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری	۶/۵۷۴	۱	۰/۰۱۰	۱۶۰/۰۳۱	۴	۰/۰۰۰
۵	AQ	۵/۳۲۵	۱	۰/۰۲۱	۱۶۵/۳۵۶	۵	۰/۰۰۰
۶	لگاریتم دارایی‌ها	۷/۰۱۳	۱	۰/۰۰۸	۱۷۲/۳۶۹	۶	۰/۰۰۰
۷	نسبت موجودی‌ها به دارایی‌ها	۸/۸۲۰	۱	۰/۰۰۳	۱۸۱/۱۸۹	۷	۰/۰۰۰
۸	نسبت دریافتی‌ها به دارایی‌ها	۹/۰۲۱	۱	۰/۰۰۳	۱۹۰/۲۱۰	۸	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول ۱ دیده می‌شود فرآیند انتخاب مدل در هشت گام و با وارد شدن معنی‌دارترین متغیر تا رسیدن به هشتمین متغیر معنی‌دار در مدل انجام شده است. در این روش ورود متغیرها تا هنگام افزایش معنادار میزان کای - دو ادامه می‌یابد. مقدار کای - دو در مدل نهایی برابر با ۱۹۰/۲ به دست آمده است که این مقدار از مقدار بحرانی ($\chi^2_{8,0/95}=15/5$) بزرگتر است. بنابراین، فرض صفر رد می‌شود، یعنی مدل معنادار با هشت متغیر وجود دارد. در جدول ۱، میزان بهبود کای - دو به واسطه ورود هر متغیر به مدل در هر مرحله محاسبه شده است. با ورود متغیر "نوع گزارش

حسابرسی سال پیش “(اولین متغیر وارد شده به مدل) میزان کای - دو به ۱۰۴/۱ می‌رسد و متغیر” نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار” به مقدار ۳۰، میزان کای - دو را افزایش داده است. در مرحله آخر با ورود هشتمین متغیر یعنی “نسبت دریافتنی‌ها به کل دارایی‌ها” کای - دو به میزان ۹ واحد افزایش یافته و در نهایت مقدار کای - دو نهایی مدل به ۱۹۰/۲ رسیده است. با این اوصاف متغیر ABDA (قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری) چهارمین متغیر معنادار مدل بوده و این به معنی تایید فرضیه اول تحقیق است. در صورتی که متغیر $ABDA * AQ$ باعث بهبود کای - دو نشده و معنادار نمی‌باشد (رد فرضیه دوم تحقیق). بنابراین، فرضیه اول تحقیق تایید ولی فرضیه دوم رد می‌شود، یعنی دخالت دادن متغیر بزرگی موسسه حسابرسی ($ABDA * AQ$)، باعث معنادار شدن رابطه بین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط توسط حسابرس نشده است.

با توجه به جدول ۲، میزان ضریب تعیین کاکس - اسنل برابر با ۰/۲۰ و ضریب تعیین نیجل کرک برابر با ۰/۲۷ است. این شاخص‌ها تفسیری همانند ضریب تعیین در رگرسیون معمولی دارند، یعنی قدرت تبیین تغییرات متغیر وابسته (نوع گزارش حسابرس) را توسط متغیرهای مستقل و کنترل را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، میزان تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط ۸ متغیر را نشان می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود با ورود گام به گام متغیرها ضریب تبیین رو به افزایش می‌رود تا نهایتاً به میزان ۰/۲۷ می‌رسد.

جدول ۲: ضریب تبیین مدل رگرسیون لاجستیک

گام	R^2 کاکس و اسنل	R^2 نیجل کرک
۱	۰/۱۱۶	۰/۱۵۷
۲	۰/۱۴۶	۰/۱۹۹
۳	۰/۱۶۶	۰/۲۲۵
۴	۰/۱۷۲	۰/۲۳۴
۵	۰/۱۷۷	۰/۲۴۱
۶	۰/۱۸۴	۰/۲۵۰
۷	۰/۱۹۲	۰/۲۶۱
۸	۰/۲۰۱	۰/۲۷۳

ب: یافته‌های روش آزمون t برای دو نمونه مستقل - بررسی مقایسه میانگین متغیرها برای دو گروه از شرکتها

گرچه روش رگرسیون لجستیک به عنوان روش اصلی برای بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق و نوع گزارش به کار رفته است، اما از آزمون t نیز برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل (شرکت‌های دریافت کننده گزارش مشروط و شرکت‌های دریافت کننده گزارش غیر مشروط) استفاده شد که نتایج آن منطبق با روش رگرسیون لجستیک می‌باشد و جهت اختصار مطلب از ذکر آن خودداری می‌شود.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان نتایج هر دو روش را به صورت جدول ۳ ارائه نمود. نتایج به دست آمده از هر دو روش (روش رگرسیون لجستیک و روش آزمون t برای دو نمونه مستقل)، گویای تایید فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش قدرمطلق اقدام تعهدی اختیاری، که نشان دهنده افزایش ریسک حسابرسی در صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد، گزارش‌های حسابرسی صادر شده نیز، بیشتر به سمت مشروط شدن سوق پیدا کرده است. طبق هر دو روش، این رابطه یک همبستگی مثبت معنادار بوده است.

نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه و تایید آن، منطبق با نتایج تحقیقات خارجی است. می‌توان به تحقیقاتی که دقیقاً فرضیه تحقیق حاضر را آزمون نموده و به نتیجه‌ای مشابه دست یافتند از جمله تحقیق فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) [۷]، بار تو و دیگران (۲۰۰۰) [۳]، شرینجیت جال و دیگران (۲۰۰۷) [۱۳] اشاره نمود. همچنین، نتیجه به دست آمده از فرضیه اول، با نتیجه تحقیق بهارمقدم (۱۳۸۵) [۱] منطبق می‌باشد. ایشان در تحقیق خود به رابطه‌ای مثبت و معنادار بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود دست یافتند.

با توجه به نتایج هر دو روش، فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. به عبارت دیگر، سازمان حسابرسی (به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ) بیشتر از موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران (به عنوان موسسات حسابرسی غیربزرگ)، قادر به کشف مدیریت سود و گزارش آن به صورت مشروط نبود.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه صفر	آزمون آماری	متغیر وابسته	متغیر مستقل	نتایج آزمون‌های آماری	توان تبیین در روش رگرسیون
بین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در صورت‌های مالی واحد مورد رسیدگی و احتمال صدور گزارش مشروط توسط حسابرس، همبستگی مثبت وجود دارد.	رگرسیون لاجستیک	QUAL	ABDA	تایید فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪	۰/۲۷
	روش آزمون t			تایید فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪	
با افزایش قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در صورت‌های مالی واحد مورد رسیدگی، احتمال صدور گزارش مشروط توسط موسسات حسابرسی بزرگ نسبت به سایر موسسات، بیشتر است.	رگرسیون لاجستیک	QUAL	ABDA* AQ	رد فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪	۰/۲۷
	روش آزمون t			رد فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪	

در تحلیل نتیجه به دست آمده، می‌توان گفت که اکثر شرکت‌های ایرانی، کوچک و صرفه جو هستند و به همین خاطر به موسسات حسابرسی کوچک‌تر مراجعه می‌کنند و صاحبکاران اصلی سازمان حسابرسی، بیشتر شرکت‌های بزرگ هستند. با گذشت زمان شاهد آن هستیم که هر ساله به شرکت‌هایی که برای حسابرسی به موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی مراجعه می‌کنند افزوده می‌شود و این خود علامتی برای افزایش کیفیت این مؤسسات است. همچنین، می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی، خود را با نیازهای تجاری ایران همسو کرده و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در چند سال اخیر داشته‌اند. شرکت‌های بزرگ و مطرح نیز در چند سال اخیر، حسابرس خود را تغییر داده‌اند و به جای مراجعه به سازمان حسابرسی، از خدمات حسابرسی موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی بهره جسته‌اند. در چند سال اخیر رقابت در عرصه حسابرسی در ایران ایجاد شده و حسابرسی تا حدود زیادی از حالت انحصاری خارج گشته است.

نتیجه تحقیق به دست آمده با بسیاری از تحقیقات خارجی متفاوت است، چرا که بسیاری از محققان از جمله بکر، دیفاند، جیامبالوو و سابرامانیام (۱۹۹۸) [۴]، فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) [۷]، شرینجیت جال و دیگران (۲۰۰۷) [۱۳]، به این نتیجه رسیده بودند که با بزرگی موسسه حسابرسی، سطح اقلام تعهدی اختیاری گزارش شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها محدودتر می‌شود و یا این

مؤسسات نسبت به مؤسسات کوچک در اثر افزایش اقلام تعهدی اختیاری، گزارش های مشروط بیشتری صادر می کنند.

علت این تفاوت را می توان این گونه بیان کرد که در ایران مؤسسات بزرگ که از معیارهای کیفیت بالاتری نسبت به بقیه برخوردار باشند تعریف شده نمی باشند و تفکیک مؤسسات بزرگ و غیربزرگ در کشورهای مورد تحقیق بالا با تفکیک تحقیق حاضر متفاوت است.

این در حالی است که نتیجه به دست آمده از تحقیق حاضر، شباهت زیادی به نتیجه تحقیق وندرباود و دیگران (۲۰۰۳) [۱۴]، جئونگ و رو (۲۰۰۴) [۱۲] دارد. تحقیق وندرباود در بلژیک و تحقیق جئونگ و رو در کره جنوبی صورت گرفته است. شاید شباهت نتیجه این دو تحقیق با تحقیق حاضر به دلیل شباهت محیطی دو کشور فوق با ایران باشد.

بازار سهام بلژیک و ایران کم و بیش به هم شباهت دارد. چون در هر دو کشور، سیستم اقتصادی بر پایه نظام بانکی است و نقش بازار سهام چندان پررنگ نیست. ضمن اینکه در بلژیک برخلاف آمریکا، سهم مؤسسات حسابرسی بزرگ در بازار حسابرسی چندان زیاد نیست. همین مسئله باعث شده که در بازار حسابرسی ایران و بلژیک تا حدودی بحث رقابت ایجاد شود، اما در آمریکا بازار حسابرسی در دست ۴ بزرگ است و رقابت تا حدود زیادی از بین رفته است.

از سوی دیگر در کره جنوبی، تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا وجود ندارد و وجود تفاوت کیفیت حسابرسی بین مؤسسات بزرگ و غیر بزرگ نیز، مورد انتظار نمی باشد.

پیشنهادهای تحقیق

نتیجه فرضیه اول حاکی از آن است که فرآیند حسابرسی در کشف تحریفات بااهمیت موجود در صورت های مالی اثربخش بوده و حسابرسان، تحریفات مذکور را به عنوان بند شرط در گزارش حسابرسی مطرح نموده اند. از این رو، توصیه می شود سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت ها را ملزم به رفع موارد مشروط نماید، به ویژه در مواردی که بند شرط در چند سال متوالی مطرح می شود.

در خصوص فرضیه دوم و این که سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی از نظر کشف و گزارش تحریفات بااهمیت، تفاوت معناداری با هم نداشتند و با توجه به اینکه رقابتی شدن حسابرسی به بهبود کیفیت حسابرسی کمک شایانی می کند توصیه می شود به مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی بیشتر بها داده شود و زمینه برای رقابت این مؤسسات با

سازمان حسابرسی فراهم گردد و از سوی دیگر موسسات حسابرسی ملزم به رعایت استانداردهای حسابرسی، آیین رفتار حرفه‌ای و مقررات وضع شده توسط جامعه شوند و جریمه رعایت نشدن این الزامات به قدری افزایش یابد که موسسات برای رقابت در نرخ، کیفیت را زیر پا نگذارند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Scott
- 2- Becker
- 3- Francis J.R and Krishnan J.
- 4- Bartov
- 5- Velury
- 6- Seok Woo Jeong & Joonhwa Rho
- 7- Chen
- 8- Shireenjit Jahl
- 9- Caramanis & Lennox
- 10- Santanu Mitra

فهرست منابع:

- (۱) بهارمقدم، مهدی، ۱۳۸۵ "محرک‌های موثر بر مدیریت سود"، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- (۲) ناظمی اردکانی، مهدی، ۱۳۸۹ "مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری در مقابل مدیریت واقعی سود". مجله حسابداری رسمی، شماره ۸ ویژه نوز.
- 3) Bartov Eli, Gul Ferdinand A & Tsui Judy S .L. 2000, Discretionary accruals models and audit qualifications. www.ssm.com.
- 4) Becker, C.L, Defond, M.L, Jambalvo. J & Subramanyam K. R. 1998, The effect of audit quality on earnings management. Contemporary Accounting Research 15, No.1, p 1-24
- 5) Caramanis Constantinos, Lennox Clive. 2008, Audit effort and earnings management. Journal of Accounting and Economics 45, p 116-138
- 6) Ferdinand A.Gul, Judy Tsui & Charles J.PChen. 1998, Agency costs and audit Pricing: evidence on discretionary accruals. www.ssm.com
- 7) Francis J.R & Krishnan J. 1999, Accounting accruals and auditors reporting conservatism. Contemporary Accounting Research 16, p 135-165
- 8) Ken Y.Chen, Kuen linlin & Jian Zhou. 2005, Auditor's quality & earnings management for Taiwan IPO firms. Managerial Auditing Journal 20, No 1, p 86-104
- 9) Mulford, C.W. & Comiskey E.E. 2002, The financial numbers game: detecting creative accounting practices. John Wiley & Sons, Inc. Publishing; Chap1, p 1-15.
- 10) Santanu Mitra & Mahmud Hossain. 2010, Auditor's industry specialization and earnings management of firms reporting internal control weaknesses under SOX section 404. www.ssm.com
- 11) Scott, William. 2009, Financial accounting theory. Prentice Hall, Canada Inc

- 12) Seok Woo Jeong & Joonhwa Rho. 2004, Big six auditors and audit quality: the Korean evidence. *The International Journal of Accounting* 39, p175-196
- 13) Shireenjit Johl, Christine A. Jubb & Keith A. Houghton. 2007, Earnings management and the audit opinion: evidence from Malaysia. *Managerial Auditing Journal* 22, No 7, p 688-715
- 14) Vander Bauwede Heidi, Willekens Marleen and Gaeremynck Ann. 2003, Audit firm size, public ownership, and firm's discretionary accruals management. *The International Journal of Accounting* 38, p 1-22
- 15) Velury Uma. 2003, The association between auditor industry specialization and earnings management. *Research in Accounting Regulation* 16, p171-184
- 16) Watts, r. and Zimmerman, J. 1986, *Positive accounting theory*, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.